

تفویض تشریح به معصومان علیهم السلام در رویکرد عالمان امامی

[مهدی سفری*، محمد کرمانی کجور**]

■ چکیده

اصطلاح تفویض، گاه به معنایی در مقابل جبر و گاه به معنای واگذاری دست‌کم پاره‌ای امور به انسانی والا از سوی خداوند می‌باشد. اصطلاح دوم به دو گونه کلان تکوینی و تشریحی طبقه‌بندی می‌گردد؛ و اینکه خداوند جعل حکمی شرعی و کلی را به معصوم و یا معصومانی، سپرده باشد بی‌آنکه وحی یا الهام خاصی در خصوص آن حکم رسیده باشد، گونه‌ای متصور از تفویض در فضای تشریح است که ولایت تشریحی و گاه ولایت بر تشریح نیز خوانده شده است. در این نوشتار این معنا در ساحت رویکردهای عالمان امامی، مورد بررسی قرار گرفته و این نتیجه به دست آمده که در مجموع رویکرد عالمان امامی بدان، سه نظریه را سامان داده که هر یک طرفداران برجسته‌ای داشته و در دو دسته نظریه اختصاص و نظریه اشتراک قابل طبقه‌بندی است. نظریه اختصاص تشریح به خداوند که مبتنی بر نفی هر گونه تفویض تشریحی است بر مستندهای قرآنی استوار است و به نظر می‌رسد نظریه اشتراک، که بر عدم تنافی خود با مستندهای قرآنی نظریه اختصاص پای می‌فشرد، نظریه غالب در جامعه علمی امامی باشد. این نظریه که از منظر گستره دو گونه حداقلی و حداکثری دارد، گونه حداقلی آن، تفویض تشریحی را تنها در پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفته و بر مستندهای روایی استوار است و گونه حداکثری آن، از اشتراک پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام با خداوند سخن گفته و با منهجی روایی و نیز اصولی، از آن دفاع می‌نماید.

کلید واژه‌ها: تفویض؛ تفویض تشریحی؛ معصومان؛ عالمان امامی.

** دانش‌آموخته درس خارج حوزه علمیه قم؛ فارغ‌التحصیل سطح سه گرایش تخصصی امامت.

M_taha110@ymail.com

M_kermani87@yahoo.com

** دانش‌آموخته درس خارج حوزه علمیه قم، مدرس سطح عالی حوزه

مقدمه

تفویض در لغت به معنای واگذاری و سپردن کاری به دیگری و حاکم نمودن وی بر آن است.^۱ این واژه در اصطلاح روایی و دانش کلام به دو معنا به کار رفته است:

۱- تفویض در مقابل جبر؛ به این معنا که خدای متعال افعال بندگان را به خودشان واگذار نموده و هیچ اراده و دخالتی در آن ندارد؛^۲ و یا آنکه انسان در آنچه اراده نماید از اختیاری کامل برخوردار است.^۳ این دیدگاه به تعبیر شیخ مفید دیدگاه زنادقه و اباحیون بوده که بر آزادی کامل در افعال پای می‌فشردند.^۴ در مقابل، پیروان جبر تصور می‌نمودند که خداوند متعال طاعت را در بنده می‌آفریند بی آنکه او توان انجام ضدش را داشته باشد و همچنین معصیت را در او می‌آفریند بدون آن که قدرت بر امتناع آن داشته باشد.^۵ نظریه امامیه در این میان، نظریه معروف لاجبر و لاتفویض، بل أمر بین الأمرین است.^۶

۲- تفویض به معنای واگذاری دست کم پاره‌ای امور به پیامبر ﷺ و یا معصومان ﷺ از سوی خدای متعال؛^۷

به نظر می‌رسد این اصطلاح با توجه به آن که امروزه در میراث مکتوب امامی پیش از امام باقر ﷺ روایتی در تفویض به این معنا، انعکاس نیافته، ریشه در زمانه آن امام ﷺ، یعنی نیمه نخست قرن دوم هجری داشته باشد؛^۸ و مستندهای آن در قالب روایات تفویض از آن امام ﷺ و سپس از امام صادق ﷺ^۹ و امام رضا ﷺ^{۱۰} منعکس شده است. بستر جریان

۱. فیومی، احمد، مصباح المنیر، ۲/۴۸۳؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۴/۲۲۳.

۲. برای نمونه: نک: کلینی، محمد، الکافی، ۱/۱۶۰.

۳. برای نمونه: نک: مفید، محمد، تصحیح الاعتقاد، ۱۳۲.

۴. برای نمونه: نک: همان.

۵. همان، ۱۳۱ و ۱۳۲.

۶. همان، ۱۳۱ و ۱۳۲.

۷. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۷-۳۹۸؛ کلینی، محمد، الکافی، ۱/۲۶۵.

۸. لازم به ذکر است که این سخن به معنای عدم تحقق این عقیده در زمانهای قبل از امام باقر ﷺ نیست و فقط به پیدایش این اصطلاح در زمان آن امام همام نظر دارد.

۹. برای نمونه: نک: صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۸ و ۴۰۴.

۱۰. برای نمونه: نک: صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۹؛ کلینی، محمد، الکافی، ۱/۲۶۷.

۱۱. صدوق، محمد، عیون أخبار الرضا ﷺ، ۱/۲۱۹.

مفوضه که در میان شیعیان امامی در عصر امامان (علیهم السلام) سربرآورد، و واکنش‌های شدیدی را از سوی امامان معاصر در پی داشته،^۱ در مقابل این معنا از تفویض بوده است.^۲ شایان توجه است که پژوهشگران مسأله تفویض، بیشتر از اصطلاح اول تفویض، یعنی تفویض در مقابل جبر یا از تفویض تکوینی بحث و به بررسی آراء مفوضه پرداخته‌اند و تفویض تشریحی دست کم به معنای مورد نظر در این نوشتار، کمترین سهم پژوهش‌های وادی تفویض را به خود اختصاص داده است که به جز چند تک‌نگاری در فضای مرتبط بدان، همچون فصلی در کتاب *الدریعه* سید مرتضی با عنوان «انه لا يجوز أن يفوض الله تعالى إلى النبي (ص) أو العالم أن يحكم في الشرعيات بما شاء إذا علم أنه لا يختار إلا الصواب»^۳ *الولاية التشریعیة* استاد سید جعفر مرتضی عاملی و مقاله «خلق عظیم و تفسیر دین» آقای فتح الله نجارزادگان،^۴ سایر پژوهش‌های آن ضمنی و بیشتر در ضمن مباحث مرتبط با شأن و منزلت معصومان،^۵ اقسام و معانی تفویض، در دانش کلام^۶ و حدیث^۷ و در بحث حقیقت شرعی در دانش اصول^۸ رقم خورده است. از آنجا که محوریت این پژوهش‌های اندک نیز تاکنون، اثبات دیدگاه خود پژوهشگر، به گونه تحلیلی بوده و به هر دلیل، دیدگاه‌ها و مستندها و روشمندی سایر عالمان به گونه توصیفی، استقرا نشده و یکجا ارائه نگشته، پرداخت و طبقه‌بندی این دیدگاه‌ها و کاوش از روشمندی و منهج آنان و نیز استفاده از آنها در راستای دستیابی به نظریه غالب و روشمندی رایج در میان عالمان امامی، ضرورت این پژوهش را رقم زده است. براین پایه، صرف نظر از هر گونه رویکرد اثباتی و یا انتقادی با روش و ادبیاتی کاملاً توصیفی با اشاره به دو گونه کلان تفویض، به ارائه رویکرد عالمان امامی و منهج آنان و تحلیل رویکرد و نیز منهج رایج در میان آنان خواهیم پرداخت.

۱. همان.

۲. صدوق، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا (ص)* ۱۹۴/۲. عبارت وی چنین است: «قوم زعموا ان الله تعالى خلق محمداً (ص) ثم فوض إليه خلق العالم و تدبیره ثم فوض (ص) تدبیر العالم إلى علي بن أبي طالب (ص)».

۳. سید مرتضی، *الدریعه* (أصول فقه)، ۶۵۸/۲.

۴. نجار زادگان، فتح الله، مقاله *خلق عظیم و تفویض دین*، مجله مقالات و بررسیها، دفتر ۸۴، تابستان ۸۶، ۱۸۲-۱۶۳.

۵. به عنوان نمونه نک: میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر، ۳۷۱-۳۸۰.

۶. به عنوان نمونه نک: سند، محمد، *الإمامة الإلهیة*، ۲۳۵/۲.

۷. به عنوان نمونه نک: علامه مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، ۲۵/۳۴۸.

۸. به عنوان نمونه نک: نجفی اصفهانی، محمد رضا، *وقایه الأذهان*، ۱۵۱؛ مجدد شیرازی، *تقریرات مولی علی روزدري*، ۱/۲۳۹.

۱- تفویض به معصومان علیهم السلام و دو گونه کلان آن

چنان که گذشت تفویض مورد بحث در این نوشتار، واگذاری دست کم پاره‌ای از امور به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا معصومان علیهم السلام از سوی خدای متعال است.^۱ شایان توجه است که گزارش‌های مآثور متعدد و متنوعی از معصومان علیهم السلام مبنی بر وقوع این تفویض، در میراث حدیثی امامیه، منعکس شده^۲ و عالمان امامی را به اندیشه طبقه‌بندی گونه‌های آن واداشته است؛ به طوری که از تفویض به معصومان علیهم السلام در نگاشته‌های عالمان امامی، گونه‌های نسبتاً فراوانی به تصویر کشیده شده، و داوری‌های متفاوتی نیز در پی داشته است؛ از جمله: علامه مجلسی^۳ و ملا صالح مازندرانی^۴ شش معنا برای تفویض به معصومان علیهم السلام، ذکر کرده‌اند که در یک نگاه کلی می‌توان آنها را به دو گونه کلان تفویض تکوینی و تشریحی تقسیم نمود:

۱-۱- تفویض تکوینی

تفویض تکوینی به معنای واگذاری امری تکوینی به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا معصومان علیهم السلام از سوی خدای متعال است که در میان عالمان امامی دو گونه مقبول و مردود دارد. گونه مقبول آن، که از آن با عنوان ولایت تکوینی نیز یاد کرده‌اند به این معناست که بنده‌ای از بندگان مخصوص خدا، بر اثر تکامل روحی بتواند در پرتو قدرتی که از خداوند متعال کسب کرده است در انسان و جهان تصرف کند.^۵ این معنا از تفویض تکوینی به معصومان - که گونه‌ای وابسته به اذن و اراده الهی و غیر مستقل است - مورد قبول جامعه علمی امامیه قرار گرفته است.^۶

گونه مردود آن، گونه‌ای تکوینی از آن در آفرینش، رزق، امانه و احیاء به صورتی که خدای متعال هیچ اراده و دخالتی در آن نداشته و معصوم علیهم السلام با استقلال کامل و بدون اذن الهی آن را به

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۰۷-۳۹۸؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱.

۲. برای نمونه نک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۰۷-۳۹۸؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱.

۳. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵.

۴. مازندرانی، محمد صالح، شرح اصول الکافی، ۵۴/۶.

۵. سبحانی، جعفر، ولایت تکوینی و تشریحی، ۲۶ و ۸۴.

۶. برای نمونه نک: صافی گلپایگانی، لطف الله، ولایت تکوینی و تشریحی، ۹۱؛ سبحانی، جعفر، ولایت تکوینی و تشریحی، ۲۶ و ۸۴.

سامان رساند. این گونه، در میان امامیه پذیرفته نیست؛ علاوه بر آنکه گزارش‌های ماثوری نیز در رد این گونه تکوینی تفویض، منعکس گشته است. به عنوان نمونه شیخ صدوق رحمته الله علیه در عیون، روایتی از امام رضا علیه السلام منعکس نموده که آن حضرت با استناد به آیه **﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾**^۱ بر این نکته تصریح کرد که خدای متعال امر دینش را به پیامبر صلی الله علیه و آله تفویض نمود، و با استناد به آیات **﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾**^۲ و **﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾**^۳ تفویض آفرینش و رزق را به آن حضرت، نفی نمود.^۴

همچنین امام رضا علیه السلام در روایت دیگری از شرک مفوضه سخن گفته است.^۵ شیخ صدوق رحمته الله علیه در ذیل این روایت مفوضه را چنین معرفی کرده است:

گروهی که پنداشته‌اند خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را آفریده، آنگاه آفرینش و تدبیر جهان را بدو سپرد و پس از آن تدبیر جهان را به علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد.^۶

بنابر تعریف شیخ صدوق، مفوضه‌ای که امام رضا علیه السلام آنها را مشرک خوانده، کسانی هستند که قائل به تفویض تکوینی استقلالی (بدون اذن و اراده الهی) به برخی از معصومان بوده‌اند. عبارت «زعموا» در عبارت صدوق رحمته الله علیه، اشاره به عدم پذیرش دیدگاه مفوضه دارد. همچنین سید مرتضی در رسائل^۷، علامه مجلسی رحمته الله علیه در بحار الأنوار^۸ و ملا صالح مازندرانی در شرح اصول الکافی^۹، تفویض تکوینی به این معنا را مردود خوانده‌اند.

۱. حشر/۷.

۲. رعد/۱۶.

۳. روم/۴۰.

۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱/۲۱۹.

۵. همان.

۶. همان، ۱۹۴/۲: «قوم زعموا ان الله تعالى خلق محمداً صلی الله علیه و آله ثم فوض إليه خلق العالم و تدبیره، ثم فوض صلی الله علیه و آله تدبیر العالم إلى علي بن ابی طالب علیه السلام».

۷. سید مرتضی، رسائل، ۲۱/۴.

۸. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵: «اگر مراد از تفویض تکوینی این باشد که خدای متعال امر احیا، اماتة، خلق و رزق را به معصومان واگذار کرده، به گونه‌ای که این کارها را با قدرت خود و با استقلال کامل انجام دهند این اعتقاد کفر محض و باطل می باشد».

۹. مازندرانی، محمد صالح، شرح اصول الکافی، ۵۴/۶.

۲-۱- تفویض تشریعی

چنان که گفته شد تفویض مورد بحث در این نوشتار واگذاری دست کم پاره‌ای از امور به پیامبر ﷺ و یا معصومان ﷺ و یا برخی از آنان ﷺ از سوی خدای متعال است، و امور مورد نظر در تفویض تشریعی، از سنخ حکم و قانون گذاری‌اند.

تشریح در اصطلاح دینی، به معنای قانون گذاری، وضع و جعل قانون و احکام دینی است.^۱ مقصود از تفویض تشریعی آن است که خدای متعال جعل بعضی از احکام و قوانین کلی شرعی را که مخاطب آن همه مکلفین باشند به پیامبر ﷺ و یا معصومان ﷺ واگذار نماید بدون آنکه وحی یا الهامی از جانب خدای متعال در آن مورد رسیده باشد؛ و پیامبر و امام معصوم تنها با اذن عام الهی، به جعل آن اقدام نمایند.

در مقابل این معنای تفویض تشریعی، دو جایگاه دیگر در فضای حکم و قانون گذاری نیز برای آنان قابل تصور است یکی در تشریح و دیگری در تفویض. که به منظور شفافیت بیشتر موضوع نوشتار، توضیح مختصری از آنها را ارائه می‌نماییم اگرچه هر دو آنها از موضوع این نوشتار خارج می‌باشند:

الف) تفویض در ابلاغ، تفسیر و تعلیم احکام

در این گونه متصور از تفویض در فضای احکام تنها حیثیت مبلغ، مبین، مفسر و معلم بودن پیامبر ﷺ و یا معصومان ﷺ مورد نظر است. به این معنا که تشریح و جعل آن حکم، منحصر به خداوند بوده؛ اما کیفیت تبلیغ، تفسیر و تعلیم آن، به معصوم یا معصومانی واگذار شده است. شاید بتوان دیدگاه مرحوم اصفهانی را که شارع را به معنای مبین شریعت می‌داند و از همین منظر پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ را شارع خوانده،^۲ مبتنی بر این تصویر دانست.

ب) تشریح استقلالی

در این گونه متصور از تفویض در ساحت قانون گذاری و تشریح اسلامی، تشریح و جعل حکم

۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، زواج المتعة، ۱ / ۲۵۳.

۲. سبزواری، وسیلة الوصول إلى حقائق الأصول، تقریر بحث الأصفهانی، ۶۸.

کلی شرعی بدون نیاز به اذن عام و اولیة الهی تصویر می‌شود. به این معنا که پیامبر ﷺ و یا معصومان ﷺ با اختیار خود و بدون اذن خدای متعال حکمی را تشریح کنند. این جایگاه از منظر عالمان امامی مورد انکار واقع شده است.^۱

چنان که گفته شد معنای پی‌گیری شده در این نوشتار هیچ یک از این دو معنا نبوده و دو قید اساسی دارد که به قرار زیر می‌باشند:

تشریح، جعل و وضع حکم: با این قید هر نوع واگذاری در فضای احکام که مربوط به جعل و تشریح نباشد، خارج می‌شود.

اذن اولیه: با این قید استقلالی بودن تشریح خارج می‌گردد.

بنابراین، معنای تفویض تشریحی از نظر عالمان امامی در این نوشتار این خواهد بود که خدای متعال، دست‌کم تشریح و جعل پاره‌ای از احکام کلی را به یک یا چند معصوم و یا تمامی معصومان ﷺ واگذار نموده باشد. و ایشان با اذن الهی آن احکام را جعل و وضع نمایند بدون اینکه وحی یا الهامی از جانب خداوند متعال درباره آن احکام رسیده و حتی بی‌آنکه کلیات آنها از طریق وحی یا الهام واصل گشته باشد تا آنان ﷺ صغریات آن را بر کلیات تطبیق نمایند. آقا وحید بهبهانی رحمته،^۲ علامه مجلسی رحمته،^۳ و عالمان معاصری چون آیة‌الله صافی،^۴ آیة‌الله میلانی،^۵ استاد سید جعفر مرتضی عاملی،^۶ استاد شیخ محمد سند^۷ و استاد سید کمال حیدری،^۸ این معنا را تصور کرده‌اند؛ اگرچه آن را گاه ولایت تشریحی^۹ و گاه ولایت بر تشریح^{۱۰} خوانده‌اند.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵؛ سبحانی جعفر، ولایت تکوینی و تشریحی، ۱۹؛ صافی، لطف الله، ولایت تکوینی و تشریحی، ۱۳۳.

۲. بهبهانی، وحید، تعلیقه علی منهج المقال ۲۲؛ همو، الفوائد الرجالية ۴۰.

۳. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵.

۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، ولایت تکوینی و ولایت تشریحی، ۱۱۴-۱۲۰.

۵. میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر، ۳۷۱-۳۸۰.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الولاية التشريعية، ۲۴-۵۰.

۷. سند، محمد، الإمامة الإلهية، ۲/۲۳۵.

۸. جواد علی کسار، بحث حول الإمامة حوار مع السيد کمال الحیدری، ۳۰۶.

۹. به عنوان نمونه نک: عاملی، سید جعفر مرتضی، کتاب الولاية التشريعية.

۱۰. میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر، ۳۷۱-۳۸۰.

درباره چرایی گزینش دو واژه تفویض و تشریح در نامگذاری این معنا، باید گفت که در مستندهای روایی که تنها مستند آن و یا عمده مستند آن به شمار می‌رود، هیچگاه از واژه ولایت یا مشتقات آن استفاده نشده، در حالی که از واژه تفویض و مشتقات آن استفاده شایانی شده است. مانند تفویض امر دین،^۱ تفویض دین،^۲ تفویض اشیاء،^۳ و نیز در تبویب محدثان بزرگ و کهنی چون صفار^۴ و کلینی^۵ نیز از تفویض و مشتقات آن بهره‌برداری شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد گزینش واژه تفویض به جای واژه ولایت، مناسب‌تر باشد. در مورد واژه تشریح، هر چند در مستندات مسأله، از این واژه خبری نیست؛ اما چنانکه در بخش مستند روایی خواهد آمد، گزارش‌های مآثور خاصی در منابع امامی انعکاس یافته‌اند که از مصادیق تفویض در فضای جعل احکام سخن می‌گویند که کاملاً موافق با محتوای تشریح می‌باشند. بنابراین با این بخش از نامگذاری معنای پی‌گیری شده در این نوشتار، با عالمانی که ولایت تشریحی یا ولایت بر تشریح را بر آن برگزیده‌اند، همراهی نموده‌ایم. گفتنی است بحث دیگری در میان عالمان امامی مطرح شده و آن اطلاق حقیقی یا مجازی بودن واژه شارع بر پیامبر ﷺ می‌باشد. این واژه در لغت به معنای طریق و راه اعظم است.^۶ در میان عالمان امامی در معنای شارع نیز اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه رایج، آن را به معنای واضح و جعل کننده حکم شرعی می‌داند؛ از این رو، حقیقی یا مجازی بودن اطلاق شارع بر پیامبر ﷺ مبتنی بر پذیرش یا نفی تفویض تشریحی به ایشان و داوری در معنای پی‌گیری شده در این نوشتار خواهد بود. اما از آنجا که شارع گاه به معنای طریق و راه معنوی، تصور شده و اطلاق آن بر دین و احکام الهی در صورتی صحیح دانسته شده که این احکام ابلاغ شده و به دست مردم رسیده باشد.

شرع مرکب از دو جزء بوده که یک جزء آن جعل و جزء دیگرش ابلاغ است. جزء اول آن

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر، ۴۰۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۶۶/۱؛ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، ۲۱۹/۱.

۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر، ۳۹۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲۶۷/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۳۹۷/۹؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۶/۱۷.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر، ۳۹۸.

۴. همان، ۴۰۷-۳۹۸.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۶۵/۱.

۶. خلیل بن احمد، العین، ۲۵۳/۱؛ جوهری، الصحاح، ۱۲۲۶/۳.

فعل خدای متعال، و جزء دومش فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ بنابر این، نسبت دادن این مرکب به موجد هر یک از اجزاء آن صحیح است. بر این اساس پیامبر صلی الله علیه و آله نیز شارع می‌باشد.^۱ این معنای دوم از شرع و شارع مبتنی بر داوری در معنای پی‌گیری شده در این نوشتار نخواهد بود؛ زیرا چنان‌که گفته شد تشریح به معنای جعل و وضع است و در این معنا اختصاص و انحصار آن به خداوند مفروض می‌باشد بنابراین از فضای این نوشتار خارج خواهد بود.

۲- رویکرد عالمان امامی

معنای پی‌گیری شده در این نوشتار که تفویض تشریحی نامیده شد، ولایت تشریحی و ولایت بر تشریح نیز خوانده شده است. این معنا از دیرباز مورد توجه عالمانی از امامیه بوده است؛ گرچه شاید بتوان گفت بیشترین سهم توجه بدان را عالمان معاصر داشته‌اند. برپایه کاوش‌های ما در مجموع سه رویکرد برجسته در میان عالمان امامی به دست می‌آید که در دو دسته نظریه اختصاص و نظریه اشتراک طبقه‌بندی می‌شوند:

۲-۱- نظریه اختصاص

این نظریه قائل به اختصاص تشریح به خداوند است. تفویض تشریحی را کاملاً نفی می‌کند. شارع واقعی را فقط خداوند می‌داند. حتی اطلاق عنوان شارع به پیامبر صلی الله علیه و آله را نه حقیقی که از باب احترام می‌داند، و جایگاه حضرت را فراتر از رسالت، تبیین، ابلاغ و تعلیم نمی‌شمارد. این نظریه هم در میان علمای متقدم امامی همچون سید مرتضی و محقق کرکی و هم در میان معاصران، طرفدارانی دارد، اگرچه ادبیات یکسانی در میان آنان به چشم نمی‌خورد.

سید مرتضی رحمته الله علیه تفویض احکام به پیامبر صلی الله علیه و آله را جایز نمی‌داند و در کتاب *الذریعة إلى أصول الشریعة* فصلی را با نام «انه لا يجوز أن يفوض الله تعالى إلى النبي صلی الله علیه و آله أو العالم أن يحكم في الشرعیات بما شاء إذا علم أنه لا يختار إلا الصواب» اختصاص داده است.^۲ در میان معاصران جناب سید مصطفی خمینی، سخنان معصوم را تشریح حقیقی ندانسته؛ بلکه حاکی از احکام صادره الهی، مخبر از آن و یا ارشادی برشمرده است.^۳ نیز آنچه از ظاهر سخن یکی از مقرران

۱. مجدد الشیرازی، *تقریرات الأصول*، تقریر مولی علی روزدری، ۲۳۹/۱.

۲. سید مرتضی، *الذریعة (أصول فقه)*، ۶۵۸/۲.

۳. خمینی، سید مصطفی، *تقریرات فی الأصول*، ۴۶/۵.

درس خارج فقه آیه الله خویی رحمه الله، برمی آید، تفویض تشریعی به معنای معهود در این مقاله، پذیرفته نشده و تمام امور مربوط به تکوین و تشریح را به دست خدا دانسته است.^۱ آیه الله منتظری نیز تشریح را حق الهی خوانده و مقنن و شارع را در انحصار خدای متعال خوانده است.^۲ نیز آیه الله خرازی این امر را مختص خدا و متعین در او شمرده که به احدی تفویض نگشته است.^۳ آیه الله سبحانی هم، پیامبر و ائمه علیهم السلام را در واقع حاملان احکام الهی، معرفی نموده است.^۴ آیه الله موسوی اردبیلی نیز با اشاره به دیدگاه محقق کرکی، با او هم نظر بوده است.^۵ آیه الله مکارم شیرازی معتقد است نظام تشریح همانند نظام تکوین فقط در اختیار پروردگار و تحت اراده اوست و هیچ کس جز خداوند حق تشریح و وضع احکام شرعی را ندارد، و وظیفه انبیا، تبلیغ و بیان احکام خداوند بوده است.^۶

۱-۱-۲- مستندات نظریه

این نظریه، بر مستندهای قرآنی چندگانه‌ای استوار گشته که در نظر طرفداران آن هر یک به گونه‌ای مجزا تفویض تشریعی حتی اندک آن را نفی می‌نماید، چنان که آیه الله خرازی بر اینکه قرآن کریم به تشریعی غیر از تشریح الهی معترف نبوده و انبیا و رسولان ناقلان احکام الهی و تشریح‌های صادره از ایشان با اذن خدا و مستند به او می‌باشند^۷ تصریح نموده است.

این آیات که در مجموع چهار آیه می‌باشند، همه یا برخی از آنها در استنادهای پیروان این نظریه راه یافته‌اند؛ از جمله: آیه الله سبحانی^۸ به آیات **﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾**^۹ و **﴿إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ**

۱. خوئی، ابوالقاسم، کتاب الطهارة، ۷۴/۲.

۲. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ۶۰/۲؛ جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت، ۱۲۴.

۳. خرازی، سید محسن، بدایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإمامیة، ۵۴/۱.

۴. سبحانی، جعفر، تهذیب الأصول (تقریر بحث السید الخمینی)، ۱۴۸/۳؛ همو، الأسماء الثلاثة، ۳۰؛ همو، الإلهیات، ۴۲۵.

۵. موسوی اردبیلی، مرتضی، المتعة النکاح المنقطع، ۱۹۱.

۶. مکارم شیرازی، ناصر، دایرة المعارف فقه مقارن، ۱۵۷.

۷. خرازی، سید محسن، بدایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإمامیة، ۵۴/۱.

۸. سبحانی، جعفر، ولایت تکوینی و تشریعی، ۲۰.

۹. نجم/۳.

يَوْمَ عَظِيمٍ^۱، و آیه الله جوادی آملی^۲ به آیه «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ^۳» و برخی نیز علاوه بر آیات فوق^۴ به آیه «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ^۵» در راستای مستندسازی نظریه خویش همت نهاده‌اند. حصر در آنها مبنی بر پیروی از وحی و نیز حکم و همچنین تهدید به قتل در صورت نسبت دادن سخن خود به خداوند را دلیل بطلان تفویض تشریحی شمرده‌اند.

چنان که ملاحظه می‌شود، در دو مستند نخست این نظریه که مستندهای عمده این نظریه نیز به شمار می‌رود، واژه وحی در حصر پیروی پیامبر^ص از آن، وحی خاص و موردی دانسته شده است و چنین تصور شده که تمامی احکام و حتی معارف الهی به وحی خاص به آن حضرت^ص رسیده است. به این معنا که برای تک تک احکام، وحی مخصوص به آن آمده است، و ایشان از آن پیروی می‌نمایند. به طوری که حتی تفویض تشریحی نادر و محدود نیز، پیروی از وحی نخواهد بود. چنین به نظر می‌رسد که این نظریه مستندهای روایی نظریه مخالف را در تنافی با نص و یا دست کم ظاهر قرآن، می‌بیند.

شایان توجه است مستند دیگری در سخنان علامه مجلسی راه یافته که اگرچه وی از مخالفان نظریه اختصاص است، و آن را در نفی تفویض تشریحی کامل ارائه نموده است^۶، اما می‌توان آن را برای نظریه اختصاص ارائه نمود، و آن مخالفت سیره پیامبر^ص با نظریه تفویض تشریحی است؛ زیرا آن حضرت گاه روزها منتظر وحی باقی می‌ماند تا پاسخ پرسش‌گری را ارائه دهد و از پیش خود پاسخی ارائه نمی‌نمود.

۲-۲- نظریه اشتراک

نظریه دوم که انحصار تشریع به خداوند را نفی و نوعی اشتراک را طرفداری می‌نماید،

۱. یونس، ۱۵.

۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت، ۱۲۴.

۳. یوسف، ۶۷.

۴. جمعی از محققین، حاشیه مجمع الفائدة والبرهان وحید بهبهانی، مقدمه التحقیق،

۵. حاقه/۴۴-۴۶.

۶. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵.

طرفداران زیادی در میان عالمان امامی دارد؛ اگرچه در گستره و دامنه این تفویض در میان آنان، اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا برخی از آنان تنها از اشتراک خدا و پیامبر حمایت، و تفویض به امامان و اشتراک آنان را نفی می‌نمایند. می‌توان گفت برخی به نظریه اشتراک حداقلی پایبندند و برخی به اشتراک حداکثری که در آن به امامان (علیهم‌السلام) نیز تفویض تشریحی صورت پذیرفته باشد و آنان با خداوند و پیامبر، اشتراک داشته باشند، گرایش یافته‌اند. نظریه اشتراک حداقلی و حداکثری و منهج هر یک چنین است:

۱-۲-۲- اشتراک حداقلی

اشتراک حداقلی و یا تفویض حداقلی، نظریه‌ای است که در گستره تفویض و اشتراک پدیدار گشته است؛ و اگرچه گستره حداکثری را محال نمی‌شمارد، اما بر فقدان مدارک کافی آن، پای می‌فشارد. بر این پایه به اشتراک و تفویض حداقلی گرایش یافته و آن را بهره‌مند از مستندهای کافی یافته است.

تعبیر شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه، از ابهام واجمال بی‌نصیب نیست، آنجا که می‌فرماید: «مسلماً خداوند امر دینش را به پیامبر واگذار کرد و تجاوز از حدودش را به او تفویض ننمود»^۱، او^۲ مفید^۳ و برخی از عالمان امامی تا عصر علامه مجلسی^۴، احادیثی را که می‌تواند مستند این نظریه قرار گیرد، انعکاس داده‌اند.

وحید بهبهانی که از مخالفان نظریه اختصاص است تفویض تشریحی به پیامبر (علیه‌السلام) را با آیه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» که مضمون آن حصر پیروی آن حضرت از وحی است، در تنافی ندیده و تمایز آن را با موارد عدم تفویض تشریحی، تقدم و تأخر وحی معرفی نموده است؛ زیرا وحی در موارد تفویض تشریحی، متأخر بوده و کارکردی تأییدی خواهد داشت. ایشان چهارمین معنا از معانی تفویض را تفویض احکام دانسته و به مصداق‌هایی از احکام تفویض شده به پیامبر تصریح کرده است.^۵

همچنین به نظر می‌رسد، می‌توان با وحیانی خواندن تفویض تشریحی به پیامبر (علیه‌السلام) در پرتو

۱. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۴۱/۱.

۲. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ۲۱۹/۱؛ همو، فضائل الشیعة، ۳۴؛ همو، اعتقادات، ۱۰۱.

۳. مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۳۰، ۳۱۰؛ همو، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ۴۷.

۴. بهبهانی، وحید، تعلیقه علی منهج المقال، ۲۲؛ همو، الفوائد الرجالیة، ۴۰.

مستندهای روایی نظریه اشتراک، خود تشریح آن حضرت را مصداق حصر پیروی از وحی خواند. علامه مجلسی تفویض تشریحی کامل یعنی نسبت به همه احکام را نفی و آن را مخالف سیره پیامبر ﷺ خوانده است؛ زیرا آن حضرت گاه روزها منتظر وحی باقی می ماندند تا جواب پرسش‌گری را بدهند و از پیش خود پاسخی نمی دادند. چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾. ایشان تفویض در پاره‌ای از امور همچون اضافه نمودن به رکعات نماز و مشخص کردن نوافل در نماز و روزه و تعیین سهم الارث جد یا جده پدری را در راستای نمایاندن شرافت و کرامت آن حضرت در نزد خدا دانسته، و واگذاری این امور را به گونه‌ای که اصل تعیین، یعنی اذن عام اولیه فقط، بوسیله وحی بوده و پیامبر ﷺ هم جز آنچه به او الهام می شود را اختیار نمی کند، پذیرفته است.^۱ همچنین این نظریه در موارد معدود و محدودی مورد پذیرش آیه الله صافی قرار گرفته و بلا مانع دانسته شده است.^۲

۲-۲-۲- مستندات نظریه

این نظریه بر خلاف نظریه اختصاص، پس از اذعان به امکان تفویض تشریحی وقوع آن را با تکیه بر روایت‌هایی مأثور از معصومان علیهم السلام مستند نموده است. بیشتر این روایات از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است. کتاب *بصائر الدرجات* از کهن‌ترین مجموعه‌های حدیثی امامی است که می توان روایات متعددی از این دست را از این دو امام همام، در آن سراغ گرفت. چنان که پیش‌تر نیز گفته شد وی در جزء هفتم این کتاب شریف دو باب به عنوان «التفویض الی رسول الله ﷺ» و «فی ان ما فوض الی رسول الله فقد فوض الی الائمه علیهم السلام»، گشوده است.^۳ پس از وی کلینی رحمته الله در کافی بابی با عنوان «التفویض الی رسول الله ﷺ و الی الائمه علیهم السلام فی امر الدین»، ارائه کرده است.^۴ پس از ایشان صدوق رحمته الله^۵ و شیخ مفید رحمته الله در پاره‌ای از نگاشته‌های خویش، برخی از آنها را ثبت و منعکس نموده‌اند. سایر علمای امامی نیز تا عصر

۱. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۴۸/۲۵.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، ولایت تکوینی ولایت تشریحی، ۱۱۴-۱۲۰.

۳. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، ۴۰۷-۳۹۸.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۲۶۵/۱.

۵. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ۲۱۹/۱؛ همو، *فضائل الشیعه*، ۳۴؛ همو، *اعتقادات*، ۱۰۱.

۶. مفید، محمد، *الاختصاص*، ۳۳۰، ۳۱۰؛ همو، *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، ۴۷.

علامه مجلسی رحمته، موارد متعددی از آنها را در آثار مکتوب خود انعکاس داده‌اند. وحید بهبهانی رحمته که طرفدار این نظریه است، پس از آنکه به نظریه اختصاص اشاره می‌کند به وجود اخبار زیادی در این زمینه، تصریح نموده و در مورد دیدگاه کلینی و عدم منافات نظریه اشتراک حداقلی با آیات مورد استناد طرفداران نظریه اختصاص، چنین می‌نویسد:

و هذا محل اشكال عندهم لمنافاته ظاهر ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ و غیر ذلك؛ لكن الكلینی رحمته قائل به؛ و الأخبار الكثيرة الواردة فيه. و وجه بآنها تثبت من الوحي إلا أن الوحي تابع و مجیز، فتأمل؛

تفویض تشریح به پیامبر صلی الله علیه و آله نزد طرفداران نظریه اختصاص محل اشکال بوده و با ظاهر آیه ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ و غیر آن منافات دارد؛ اما کلینی رحمته به این نظریه قائل بوده و اخبار فراوانی در مورد آن وارد شده و با این بیان که احکام تشریح شده توسط پیامبر صلی الله علیه و آله هم، توسط وحی تثبیت شده؛ لكن وحی بعد از تشریح و به عنوان مجوز و مؤید آمده است، قابل توجیه می‌باشد.^۱

بر پایه کاوش‌های نگارنده، مستندهای روایی نظریه اشتراک حداقلی، دست کم با یازده طریق به گونه مسند از امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام در میراث روایی معتبر امامی منعکس شده است که از آن میان طریق ابو اسامه^۲ و ابو حمزه ثمالی^۳، از امام باقر علیه السلام طریق اسحاق بن عمار^۴، حسن میثمی^۵، ابن اسحاق^۶، موسی بن اشیم^۷

۱. وحید بهبهانی، محمد باقر، تعلیقه علی منهج المقال، ۲۲؛ همو، الفوائد الرجالية، ۴۰.

۲. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۸.

۳. همان، ۴۰۴.

۴. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۹؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۶/۱۷.

۴. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۳؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۸/۱؛ حلی، حسن بن سلیمان، المختصر، ۲۱۳؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۷/۱۷.

۶. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۴؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱؛ مغربی، نعمان، شرح الأخبار، ۳/۴۸۶ و ۵۸۶؛ صدوق، محمد، فضائل الشیعة، ۳۴؛ مفید، محمد، الاختصاص، ۳۳۰؛ حر عاملی، محمد، الفصول المهمة، ۱/۶۴۶؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۴/۱۷.

۷. صفار، بصائر الدرجات، ۴۰۴؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۶/۱.

نحوی،^۱ فضیل بن یسار^۲ و قاسم بن ولید^۳ از امام صادق (علیه السلام) طریق زراره،^۴ از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) و طریق یاسر خادم،^۵ از امام رضا (علیه السلام) می باشد.

ذکر دوباره این نکته نیز خالی از لطف نخواهد بود که در این روایات به واژه تفویض تشریحی یا تفویض در احکام، تصریحی نشده است؛ و آنچه در روایات آمده است عبارت از تفویض امر دین،^۶ تفویض دین،^۷ تفویض اشیاء،^۸ تفویض امر خلق،^۹ تفویض امر دین و امت،^{۱۰} و تفویض بدون قید،^{۱۱} می باشد. اما آنچه دلالت بر تفویض تشریحی می کند مثال ها و مصداق هایی است که در پاره ای دیگر از روایات برای تفویض به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است. برای مثال می توان از تحریم تمام مسکرات، تعیین سهم الارث جد،^{۱۲} اضافه نمودن به رکعات نماز، تعیین نوافل نماز و روزه،^{۱۳} تعیین دیه چشم، دیه نفس، دیه انف و حرمت نیب^{۱۴} نام برد. از جمله در روایتی که تعیین دیه چشم، نفس و دیه بینی در آن آمده،

۱. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۵.

۲. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱؛ مفید، محمد، الاختصاص، ۳۱۰؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۵/۱۷.

۳. طوسی، محمد، تهذیب الأحکام، ۳۹۷/۹.

۴. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۹؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۶/۱؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۴/۱۷.

۵. صدوق، محمد، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ۲۱۹/۱.

۶. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۴؛ کلینی، محمد، کافی، ۲۶۶/۱؛ صدوق، محمد، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ۲۱۹/۱.

۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۳۹۹؛ کلینی، یعقوب، الکافی، ۲۶۷/۱؛ طوسی، محمد، تهذیب الأحکام، ۳۹۷/۹؛ بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، ۶/۱۷.

۸. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۸.

۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۳۹۸؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۶/۱۷.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۶۷/۱؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۵/۱۷.

۱۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر، ۴۰۲ و ۴۰۳؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۸/۱؛ حلی، حسن، المختصر، ۲۱۳؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۷/۱۷؛ مغربی، نعمان، شرح الأخبار، ۵۸۶/۳ و ۴۸۶؛ صدوق، محمد، فضائل الشیعة، ۳۴؛ مفید، محمد، الاختصاص، ۳۳۰؛ حر عاملی، محمد، فصول المهمة، ۶۴۶/۱.

۱۲. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۹ و ۴۰۲؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۶/۱۷؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۳۹۷/۹؛ مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۱۰.

۱۳. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱؛ علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۵/۱۷.

۱۴. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۱؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش که آیا پیامبر بدون اینکه از جانب خدا وحی رسیده باشد، مقدار آنها را تعیین نمود؟ فرمود: «آری تا معلوم شود چه کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت و چه کسی سرپیچی می‌کند»^۱. از این روایت تفویض تشریحی به پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه نص فهمیده می‌شود.

همچنین محتوای این مجموعه روایی به سه گونه قابل طبقه‌بندی می‌باشند که عبارتند از:

۱- روایاتی که تفویض به پیامبر صلی الله علیه و آله در آنها مطرح شده بی‌آن که مصداق و حتی فضای کلی تفویض ارائه شده باشد؛ مانند: «إن الله عزَّ و جَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلِيٍّ مَحَبَّتَهُ فَقَالَ: «وَأَنَّكَ لَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٌ»، ثُمَّ فُوضَ إِلَيْهِ»^۲. در این روایت اصل تفویض به پیامبر بدون هیچ قیدی مطرح شده است. این روایت با سند صحیح از امام صادق علیه السلام در منابع مختلف آمده است.

۲- روایاتی که علاوه بر بیان اصل تفویض، مصداق‌هایی از آن را نیز منعکس نموده است، مانند:

إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهِ حَتَّى إِذَا أَقَامَهُ عَلِيٌّ مَا أَرَادَ، قَالَ لَهُ: وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ
أَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ. فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، زَكَاهَ اللَّهُ، فَقَالَ:
«إِنَّكَ لَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٌ»؛ فَلَمَّا زَكَاهُ، فُوضَ إِلَيْهِ دِينَهُ، فَقَالَ: «مَا آتَاكُمْ
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ فَحَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَحَرَّمَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كُلَّ مَسْكَرٍ؛ فَأَجَازَ اللَّهُ ذَلِكَ كَلَهُ. وَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الصَّلَاةَ وَأَنَّ رَسُولَ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقْتَ أَوْقَاتِهَا فَأَجَازَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ.

این روایت نیز با سند صحیح از امام صادق علیه السلام در منابع روایی امامیه منعکس شده است.^۳

۳- روایاتی که علاوه بر مطالب دو دسته فوق در آنها تصریح شده است که چیزی از جانب خدا درباره آن مصادیق نرسیده است همانند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دِيَةَ الْعَيْنِ وَ دِيَةَ النَّفْسِ
وَ دِيَةَ الْأَنْفِ وَ حَرَّمَ النَّبِيذَ وَكُلَّ مَسْكَرٍ». فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: فَوَضَعَ هَذَا

۱. همان.

۲. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۴؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱؛ مغربی، نعمان، شرح الأخبار، ۳/ ۴۸۶ و ۵۸۶؛ صدوق، محمد، فضائل الشيعة، ۳۴؛ مفید، محمد، الاختصاص، ۳۳۰؛ حر عاملی، محمد، الفصول المهمة،

۱/ ۶۴۶؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۴/ ۱۷.

۳. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۳۹۹؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۷/۱.

رسول الله ﷺ من غير أن يكون جاء فيه شيء؟ قال: «نعم، ليعلم من يطع الرسول و من يعصيه»^۱.

۳-۲- اشتراک حداکثری

نظریه اشتراک حداکثری و یا تفویض حداکثری، نظریه دومی است که در گستره تفویض و اشتراک، نمود یافته و در آن بر یکسانی همه امامان (علیهم السلام) با پیامبر (صلی الله علیه و آله) پای فشرده و البته آن را برخوردار از مستند کافی دیده است.

چنان که پیش تر نیز گفته شد، به نظر می‌رسد، از گونه تبویب جناب صفار و کلینی، تفویض تشریحی به امامان (علیهم السلام) علاوه بر نظریه تفویض به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، استفاده می‌شود؛ زیرا جناب صفار در بصائر علاوه بر باب «التفویض الی رسول الله ﷺ»، بابتی را به نام «ان ما فوض الی رسول الله فقد فوض الی الأئمة (علیهم السلام)» نیز اختصاص داده است.^۲ کلینی نیز در کافی عنوان تفویضی خویش را به گونه مرکب به گونه: التفویض الی رسول الله ﷺ و الی الأئمة (علیهم السلام)، به ثبت رسانده است.^۳ بر این پایه به نظر می‌رسد بتوان آن دو را از کهن ترین عالمان امامی با گرایش به نظریه اشتراک حداکثری برشمرد.

محقق بحرانی، تفویض تشریحی به ائمه (علیهم السلام) را پذیرفته^۴ و مرحوم استناد معرفت، با این بیان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با بینش خدادادی قادر به تشخیص مصالح و مفسد واقعی بوده، و مصالح را در محدوده خاص یا برای همیشه تشخیص می‌دهد، و احکام متناسب با آن را وضع نموده است؛ چرا که تنها مبلغ شریعت نبوده؛ بلکه مشرع نیز هست، با این نظریه همراهی نموده است؛ وی در ادامه می‌افزاید که: البته تبلیغ بر پایه وحی و تشریح مبتنی بر بینشی است که خداوند به او داده است. پس از ایشان مقام تشریح به امامان (علیهم السلام) معصوم انتقال یافت و آنان نیز همانند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ولایت بر تشریح داشتند، دارای بینشی گسترده بودند و مصالح و مفسد واقعی را برای همیشه می‌دیدند؛ و ختم رسالت به معنای پایان

۱. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۱؛ کلینی، الکافی، ۲۶۷/۱.

۲. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۷-۳۹۸.

۳. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱.

۴. بحرانی یوسف، الحدائق الناضرة، ۳۵۷/۱۲.

یافتن وحی است نه پایان یافتن تشریح.^۱ ایشان تفویض تشریحی به معصومان (علیهم السلام) را مبتنی بر علم آنان (علیهم السلام) خوانده و بر این نظریه پای فشرده است.^۲

نیز آیه الله سند در کتاب الإمامة الإلهية،^۳ و استاد سید کمال حیدری^۴ از طرفداران این نظریه‌اند.

همچنین آیه الله میلانی در شرح زیارت جامعه کبیره در تفسیر عبارت «المظهرین لأمر الله و نهیه»، اظهار امر و نهی الهی را به معنای بیرون آوردن آن از خفا معنا کرده، و منحصر در نقل، بیان و حکایت احکام الهی نمی‌داند. وی بر این نکته تصریح می‌نماید که ائمه (علیهم السلام) برخی از احکام الهی را که نه در کتاب خدا آمده و نه در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خفا درآورده و برای مردم ظاهر کرده‌اند، از باب ولایت ائمه بر تشریح احکام بوده است.^۵

استاد سید جعفر مرتضی نیز با پذیرش نظریه اشتراک حداکثری بر این نکته تصریح دارد که حتی اگر مصداقی برای تشریح ائمه (علیهم السلام) وجود نداشته باشد این شأن و جایگاه را برای ایشان ثابت می‌دانیم.^۶

شایان توجه است که ایشان، در فایده‌مندی و نیز عدم تنافی آیه اکمال با نظریه تفویض تشریحی به معصومان و اشتراک حداکثری، امتحان مردم برای آگاهی بر میزان اطاعت و انقیادشان از معصومان و اشاره به علو مقام و عظمت جایگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) را از فوائد این تفویض شمرده و تصریح می‌کند که: آیه اکمال دین هیچ تناقضی با تفویض تشریح به امامان ندارد؛ زیرا خدای متعال احکام زیادی را جعل و به مردم ابلاغ نموده است؛ اما برخی از احکام را در دایره اختیار پیامبر و ائمه قرار داده و مصالح، مفاسد، ضوابط، قواعد، اسرار و حقایق اشیاء را به ایشان آموخته تا در وقت مناسب، احکام متناسب را انشاء نمایند. قرآن کریم تفصیل بسیاری از احکام همچون

۱. معرفت، محمد هادی، بر تو ولایت، ۲۱-۲۴.

۲. همان.

۳. سند، محمد، الإمامة الإلهية، ۲/۲۳۵.

۴. جواد علی کسار، بحث حول الإمامة حوار مع السيد کمال الحیدری، ۳۰۶.

۵. میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر، ۳۷۱-۳۸۰.

۶. عاملی، سید جعفر مرتضی، الولاية التشريعية، ۲۴-۵۰.

تعداد رکعات نماز، کیفیت آن، احکام آن، جزئیات و تفصیل حدود، تعزیرات، دیات، نصاب خمس و زکات را بیان نکرده و اکثر امور را در سیاق قواعد کلی و عمومی بیان نموده است.^۱

۱-۳-۲- مستندات نظریه

نظریهٔ اشتراک حداکثری، مستندهایی برای اثبات خود ارائه نموده است که تنوع و گوناگونی آن از تمایزهای عمده آن با دو نظریه پیشین به شمار می‌آید؛ زیرا غالب طرفداران آن با رویکردی روایی به مستند نمودن آن همت نهاده و برخی با رویکردی که برگرفته از دانش اصول فقه بوده، و مبتنی بر واکاوی ماهیت تشریح می‌باشد - که می‌توان آن را رویکردی اصولی خواند، به آن نگرسته‌اند. در ادامه این تنوع استنادی را در قالب دو بخش روایت‌های مأثور و تطبیق ماهیت تشریح، ارائه می‌نماییم.

۱-۳-۱- ادلهٔ روایی

چنان که گفته شد غالب طرفداران نظریه اشتراک حداکثری، در مستند نظریه خود، رویکرد روایی داشته‌اند؛ از جمله محقق بحرانی،^۲ آیه الله میلانی،^۳ استاد سید کمال حیدری^۴ و استاد سید جعفر مرتضی^۵ با استناد به روایات، تشریح ائمه علیهم‌السلام را پذیرفته‌اند.

این گزارش‌های مأثور را می‌توان از منظر محتوا به سه دسته تقسیم و چنین ارائه نمود: الف) روایت‌هایی که در آنها به اصل یکسانی امامان علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفویض تصریح شده است. این دسته که مهم‌ترین مستند نظریه اشتراک حداکثری می‌باشد و می‌توان آنها را در میراث کهن امامی سراغ گرفت با بیش از پنج طریق از امام باقر علیه‌السلام^۶ و دست کم با هفت طریق از امام صادق علیه‌السلام^۷ انعکاس یافته که عبارتند از: طریق محمد بن حسن میثمی،^۸ حسن میثمی،^۹

۱. همان.

۲. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، ۱۲/۳۵۷.

۳. میلانی، سید علی، *با پیشوایان هدایتگر*، ۳۷۱-۳۸۰.

۴. جواد علی کسار، *بحث حول الإمامة حوار مع السيد کمال الحیدری*، ۳۰۶.

۵. عاملي، سید جعفر مرتضی، *الولاية التشریعیة*، ۲۴-۵۰.

۶. کلینی، محمد، *الکافی*، ۱/۲۶۶.

۷. همان، ۱/۲۶۸.

۸. همان، ۱/۲۶۸.

۹. محمد، *بصائر الدرجات*، ۴۰۳؛ کلینی، محمد، *الکافی*، ۱/۲۶۸.

ابن اسحاق،^۱ ابی اسحاق نحوی،^۲ موسی بن اشیم،^۳ ابو حمزه ثمالی،^۴ و عبدالله بن سنان.^۵ این روایات بر این نکته تأکید دارند که آنچه به پیامبر ﷺ تفویض گشته به امامان (علیهم السلام) نیز تفویض شده است، اگرچه علامه مجلسی رحمته الله علیه پاره‌ای از آنها را که در کافی کلینی منعکس شده، از منظرگاه سندی، ضعیف شمرده،^۶ اما استفاضه آن قطعی است؛ و حتی استاد سید جعفر مرتضی روایات تفویض به امامان (علیهم السلام) را متواتر معنوی و پاره‌ای از آنها را نیز صحیح خوانده است.^۷

آیه الله صافی که از مخالفان این نظریه است، تفویض تشریحی را به امامان (علیهم السلام) - اگرچه آنان مقام عصمت و طهارت قلبی و قدس ذاتی پیغمبر را دارا هستند، مشکل و محتاج به تکلف خوانده است؛ و اخباری را که در مورد تفویض به ائمه رسیده است با فرض صحت سند، بر تبیین احکام در مواقع مقتضی، بیان مصادیق و صغریات، خصوصیات و حدود احکام، ولایت بر امور حکومتی و اداری جامعه و شوؤونی که پیامبر بر آن ولایت داشته و ولایت بر امور مالی و اموری از این دست، حمل نموده است.^۸ در ادامه دو نمونه از این دسته نخست ارائه می‌شود:

۱- محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسن، عن یعقوب بن یزید، عن الحسن بن زیاد، عن محمد بن الحسن المیثمی، عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال:

سمعتہ یقول: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ رَسُولَهُ حَتَّى قَوْمَهُ عَلِيٌّ مَا أَرَادَ، ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ ذَكَرَهُ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»﴾، فَمَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولَهُ ﷺ فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا»^۹.

۱. محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۴؛ کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۵/۱؛ صدوق، محمد، فضائل الشیعة، ۳۴؛ مفید، محمد، الاختصاص، ۳۳۰؛ حر عاملی، محمد، الفصول المهمة، ۶۴۶/۱؛ علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۴/۱۷؛ مغربی، نعمان، شرح الأخبار، ۳/۴۸۶ و ۵۸۶.

۲. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۶/۱.

۳. همان.

۴. صفار، محمد، بصائر الدرجات، ۴۰۴.

۵. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۸/۱.

۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۱۴۱/۳ - ۱۵۳.

۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، الولاية التشريعية، ۳۳.

۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، ولایت تکوینی ولایت تشریحی، ۱۱۴ - ۱۲۰.

۹. کلینی، محمد، الکافی، ۲۶۸/۱.

خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی راجع به آیه‌ای از قرآن پرسید و حضرت به او پاسخ داد. سپس مردی وارد شد و همان آیه را پرسید، حضرت بر خلاف آنچه به اولی فرموده بود، به او جواب گفت. از پاسخهای مختلف آن حضرت آنچه خدا خواهد، در دلم وارد شد، به طوری که گویا دلم را با کاردها می‌برند. با خود گفتم من ابو قتاده را که در یک «واو» اشتباه نمی‌کرد، در شام رها کردم و نزد این مرد آمدم که چنین اشتباه بزرگی می‌کند، در این فکر بودم که مرد دیگری وارد شد و از همان آیه سؤال کرد، حضرت بر خلاف آنچه به من و [دو] رفیقم گفته بود، به او جواب داد. دلم آرام گرفت؛ زیرا دانستم پاسخهای متفاوت حضرت به خاطر تقیه است.

سپس آن حضرت به من توجه کرد و فرمود:

پسر اشیم! خدای عزّ و جلّ امر را به سلیمان بن داود واگذار کرد و فرمود: «این است عطای ما، خواهی ببخش یا نگهدار، حسابی بر تو نیست»؛ و به پیغمبرش صلی الله علیه و آله واگذار کرد و فرمود: «آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آنچه منع‌تان کرده باز ایستید»؛ و آنچه به رسول خدا صلی الله علیه و آله واگذار نموده، به ما واگذار کرده است.^۱

(ب) دسته‌ای که حاوی موردی خاص از تفویض تشریحی می‌باشند.

از جمله از امام جواد علیه السلام در مورد وجوب خمس بر طلا و و حتی عدم وجوب آن بر فواید و ارباح مکاسب، در راستای سهولت بخشی به پیروان و امتنان بر آنان، چنین نقل شده است:

و إنما أوجب علیهم الخمس فی سنتی هذه فی الذهب و الفضة التي قد حال علیهما الحول، ولم أوجب ذلك علیهم فی متاع و لا آتیه و لا دواب و لا خدم و لا ربح فی تجارة و لا ضیعة إلا ضیعة سافسر لک أمرها تخفیفا منی عن موالی و منا منی علیهم.^۲

۱. کلینی، محمد، الکافی، ۱/ ۲۶۶.

۲. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، ۵۰۲/۹.

ج) روایت‌های منزلت

در این دسته بر یکسانی منزلت و جایگاه پیامبر ﷺ با یک امام ﷺ یا امامان تأکید شده است. به نظر می‌رسد استناد به این گونه حدیثی بر نظریه اشتراک حداکثری، نخستین بار توسط استاد میلانی صورت پذیرفته باشد. ایشان در این باره می‌نویسد:

روایات منزلت تمام شوون پیامبر به جز نبوت را برای ائمه ثابت می‌کند؛ بنابراین همان طور که بر اساس روایات مستفیضة تفویض، شأن ولایت بر تشریح احکام به معنای ولایت بر تصرف در احکام شرعی با اذن الهی برای پیامبر اکرم ﷺ ثابت است این جایگاه رفیع برای ائمه ﷺ نیز ثابت می‌باشد.^۱

از جمله این روایت‌ها می‌توان به حدیث منزلت اشاره کرد که تنها نمونه از آن را به روایت کلینی که از طریق ابی‌امیه از امام صادق ﷺ است، نقل می‌کنیم:

أبو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن الحسن بن علی بن فضال، عن ثعلبة بن میمون، عن أبی أمیة یوسف بن ثابت بن أبی سعیدة، عن أبی عبد الله ﷺ: «... إن تكونوا وحدائین، فقد کان رسول الله ﷺ وحدائياً يدعو الناس فلا یستجیبون له، وکان أول من استجاب له علی بن أبی طالب ﷺ و قد قال رسول الله ﷺ: أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی».^۲

۱-۲-۳-۲- تطبیق ماهیت تشریح

مستند دیگری که در میان معاصران برای نظریه اشتراک حداکثری ارائه شده و قدمت چندانی ندارد، بر واکاوی ماهیت تشریح استوار است که مربوط به دانش اصول فقه می‌باشد. استاد سند در کتاب الإمامة/الإلهیه در بیان اقسام تفویض، با تصریح بر این نکته که اخبار و ابراز پیامبر و امام یکی از مقومات مهم تشریح است و تشریح در مرحله انشاء نافذ نبوده و انفاذ آن در مرحله اخبار، محقق می‌شود،^۳ تحقق همه تشریح‌های الهی را وابسته به ابراز

۱. میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر، ۳۷۱-۳۸۰.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸/۱۰۷؛ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ۱۰۰؛ همو، الخصال، ۲۱۱؛ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد، ۲۲۲.

۳. سند، محمد، الإمامة/الإلهیه، ۲/۲۳۵. شایان توجه است که این دیدگاه با آنچه از دیدگاه آیه الله مجدد شیرازی

معصومان علیهم‌السلام خوانده است. وی بر این پایه، نظریه اشتراک حداکثری را بر واکاوی ماهیت تشریح و تطبیق جزء اخیر آن که ابراز باشد، بر بیان‌های شرعی معصومان علیهم‌السلام استوار نموده و همه آنان را در همه احکام، بهره‌مند از تفویض تشریحی خوانده است که می‌توان آن را نظریه جدیدی در میان نظریه‌های اشتراک خواند؛ زیرا طرفداران نظریه‌های اشتراک بر محدودیت تفویض تشریحی پای فشرده‌اند و این نظریه گستره آن را در همه احکام، مطرح نموده است.

نتیجه‌گیری

با کاوش از رویکردهای عالمان امامی و نیز مستندهای آنان، سه نظریه شناسایی شد که هر سه آنها در میان عالمان امامی طرفداران برجسته‌ای دارد که عبارتند از: نظریه اختصاص تشریح به خداوند و نفی هر گونه تفویض تشریحی به معصومان علیهم‌السلام با مستندهای قرآنی؛

نظریه اشتراک محدود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با خداوند با سه دسته مستندهای روایی؛ نظریه اشتراک امامان علیهم‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خداوند، با سه دسته مستندهای روایی و یک مستند اصولی.

چنین به نظر می‌رسد که با ضمیمه دو نظریه اخیر، نظریه اشتراک، نظریه رایج‌تری نسبت به نظریه اختصاص در میان عالمان امامی باشد؛ و از آنجا که همه طرفداران نظریه اشتراک حداکثری، اشتراک حداقلی را پذیرفته‌اند، می‌توان نظریه اشتراک حداقلی را نظریه رایج‌تری نسبت به نظریه حداکثری برشمرد. نیز رویکرد روایی آن را، رویکردی غالب در مستندسازی عالمان امامی به شمار آورد.

در اطلاق شارع بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گذشت، تمایزی بنیادین دارد؛ زیرا این دیدگاه بر نظریه اشتراک استوار بوده و اختصاص و انحصار در جعل را بر نمی‌تابد؛ اما دیدگاه آیه الله مجدد شیرازی، بر نفی اشتراک مبتنی می‌باشد و تنها اطلاق واژه شارع بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را، اطلاقی حقیقی برمی‌شمارد.

فهرست منابع

- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۱۳۷۶ق، دارالعم، بیروت.
- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ۱۳۸۴ش، أسراء.
- حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، انتشارات استقلال، تهران.
- حلی، حسن بن سلیمان، المختصر، ۱۳۷۰ق، انتشارات الرسول المصطفی، قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی اصول الائمة علیهم السلام، ۱۴۱۸ق، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- خوئی، ابوالقاسم، کتاب الطهارة، ۱۴۱۰ق، دار الهادی للمطبوعات، قم.
- خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الأصول، ۱۳۷۶ش، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خرازی، بدایة المعارف الهیة، ۱۴۱۸ق، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- روزدری، مولی علی، تقریرات أصول آیه الله مجدد شیرازی، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، قم.
- سید مرتضی علم الهدی، الرسائل، ۱۴۰۵ق، دارالقرآن الکریم، قم.
- سبزواری، حاج میرزا حسن، وسیلة الوصول، ۱۴۰۹ق، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- سبحانی، جعفر، تهذیب الأصول، ۱۳۶۷ش، دارالفکر، قم.
- ، الأسماء الثلاثة: الإله، الرب، والعبادة، بی تا، بی نا.
- ، محاضرات فی الإلهیات، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم.
- سند، محمد، الإمامة الإلهیة، تقریر سید محمد علی بحر العلوم، اول، ۱۴۲۷ق، منشورات الإجتهد، قم.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، ولایت تکوینی ولایت تشریعی، ۱۳۹۰ش، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمد علیهم السلام، ۱۴۰۴ق، منشورات الأعلمی، تهران.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱۴۰۴ق، موسسة الاعلی للمطبوعات، بیروت.
- ، فضائل الشیعه، کانون انتشارات عابدی.
- ، اعتقادات، ۱۴۱۴ق، دارالمفید، بیروت.
- ، الأمالی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، قم، مؤسسة البعثة.
- ، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، ۱۳۶۲ش، قم، جامعه مدرسین.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۱۴۰۸، مکتب النشر الثقافة الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۳۶۴، تحقیق سید حسن المدرسی الخراسان، دار الکتب الإسلامیة.
- ، الاقتصاد، ۱۴۰۰ق، منشورات مکتبة جامع چهل ستون، تهران.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الولاية التشريعية، ۱۴۲۴ق، المركز الإسلامی للدراسات، بیروت، لبنان.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، منشورات دار الرضی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق، دکتر مهدی المخزومی، دکتر ابراهیم السامری، ۱۴۰۹، مؤسسه دار الهجره.
- کسار، جواد علی، بحث حول الإمامة، حوار مع السيد کمال الحیدری، ۱۴۲۶ق، دار فراق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة، تهران.
- مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، سید محمود زرندي، ۱۴۱۴ق، دار المفید، بیروت.
- ، تصحیح اعتقادات الإمامیة، تحقیق حسین درگاهی، ۱۴۱۴ق، دار المفید، بیروت.
- مغربی، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۱۴، مؤسسه نشر اسلامی، قم.

مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، مؤسسة الوفاء، بیروت.
 -----، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول ﷺ، تحقیق سید هاشم رسولی،
 چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، دار الکتب الإسلامية، تهران.
 مازندرانی، محمد صالح، شرح اصول الکافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، ۱۴۲۱ق، دار احیاء التراث العربی.
 معرفت، محمد هادی، پرتو ولایت، تدوین، مجتبی خطاط، ۱۳۸۴ش، مؤسسه فرهنگی تمهید، قم.
 منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولاية الفقیه، ۱۴۰۸، المركز العالمی لدراسات الإسلامیه.
 مکارم شیرازی، ناصر، دایرة المعارف فقه مقارن، ۱۴۲۷ق، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 موسوی اردبیلی، مرتضی، متعة النکاح المنقطع.
 میلانی، سید علی، با پیشوایان هدایتگر.
 نجارزادگان، فتح الله، مقاله «خلق عظیم و تفویض دین»، مجله مقالات و بررسیها، دفتر ۸۴، تابستان ۸۶.
 نجفی اصفهانی، محمد رضا، وقایة الأذهان، تحقیق، مؤسسه آل البيت، قم.
 وحید بهبهانی، محمد باقر، حاشیة مجمع الفائدة والبرهان، ۱۴۰۷، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد.
 -----، الفوائد الرجالية، بی تا، بی نا، بی نا.